فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۷
صفحات ۵۳ – ۷٤

چشم‌انداز جغرافیایی و کاربست آن در پژوهش‌های تاریخی

مهرداد دیوسالار[۱]
محمدتقی رهنمایی[۲]
محمدحسین فرجیها[۳]
محمد محمودپور[۴]

چکیده

از اوایل قرن بیستم، با تکیه بر پیوستگی جغرافیا و تاریخ، دانش جغرافیـای تـاریخی در حوزهٔ مطالعات تاریخی مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نظری متنوعی بنا به نوع نگرش به آن به وجود آمد. یکی از حوزه‌هـای مطالعـاتی نسـبتاً جدیـد در جغرافیـای تـاریخی، چشم‌انداز جغرافیایی است که تغییرات محیط طبیعی را در یک دورهٔ مشخص تـاریخی، با رویکرد تأثیر انسان و تاریخ بر جغرافیا، بررسی می‌کند. ضرورت پژوهش حاضـر از آن روست که معمولاً جغرافیای تاریخی در ایران به بررسی تاریخی مکان‌هـای جغرافیـایی محدود شده‌است و در آن، بررسی نقاط عطف تـاریخی منـاطق و عوامـل تأثیرگـذار بـر تحول سکونتگاه‌های انسانی و نیز تقسیم‌بندی جغرافیایی دقیق یک منطقـه بـر اسـاس تغییرات بنیادین حاصل از فعالیت انسانی مغفول مانده‌است. نوشتار حاضر بر آن است تـا ضمن تبیین چشم‌انداز جغرافیایی، روش‌شناسی و کاربست آن را در مطالعات تاریخی بـا نشان دادن چگونگی نفوذ و دخالت انسان در محیط طبیعـی و چشـم‌انـداز جغرافیـایی و مقایسهٔ آن با دخالت‌هایی دوره‌های قبلی تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای تاریخی، چشم‌انداز جغرافیایی، روش‌شناسی جغرافیـای تـاریخی، کاربرد تاریخ در جغرافیا.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللـی امـام خمینـی قـزوین (نویسـنده مسـئول) mehrdad.divsalar1364@gmail.com
۲. دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه تهران mtrahnama1944@yahoo.com
۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین mhfarajiha36@gmail.com
۴. استادیار گروه جغرافیای بنیاد دائره المعارف اسلامی m.mahmoudpour@rch.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۳۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

مقدمه

از اوایل قرن بیستم میلادی، استفاده از علوم مختلف در مطالعات تاریخی رایج شد و مطالعات بین‌رشته‌ای مورد توجه محققان قرار گرفت. جغرافیا از این حیث در بین علوم مرتبط به تاریخ از جایگاه ویژه و نزدیکی بیشتری برخوردار است، چراکه جغرافیا بستر رویدادهای تاریخی است. درنتیجه، با تکیه بر پیوستگی و درهم‌تنیدگی جغرافیا و تاریخ، دانش جغرافیای تاریخی به‌مثابه شاخه‌ای مهم در حوزهٔ مطالعات تاریخی مورد توجه قرار گرفت و رویکردها و مکاتب نظری متنوعی بنا به نوع نگرش به آن به وجود آمد. فصل مشترک بیشتر این مکاتب درک دگرگونی‌های تاریخی در بستر مکانی و بررسی رابطهٔ بین مکان و زمان رویداد با فعالیت‌های انسانی و تأثیر آن بر فرهنگ، زیست، و معیشت جامعهٔ انسانی است. درواقع، از همپوشانی و پیوستگی مکان و زمان است که شاخه‌ای میان‌رشته‌ای به نام جغرافیای تاریخی به مرور زمان در ادوار پیشین شکل گرفت و رفته‌رفته ساختار و پارادایم منحصربه‌فردی برای خود به وجود آورد.

به‌سبب اهمیت نقش انسان به‌عنوان مهم‌ترین موجد دگرگونی در چشم‌انداز طبیعت، سیر تحول بهره‌برداری از زمین و چگونگی اسکان جمعیت‌ها در نواحی و تحول معیشت انسان‌ها در طول تاریخ از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است (پاپلی یزدی، ٤٦؛ رهنمایی، ٨١). به‌عبارت‌دیگر، در جغرافیای تاریخی، رابطهٔ مکانی انسان و طبیعت در زمان گذشته ارزیابی می‌شود (بیک‌محمدی، ١٥). درنتیجه در این علم، کلیهٔ تغییرات و تطورات جغرافیایی ایجادشده در طول زمان در زمینه‌های طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، و انسانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (قائم‌مقامی، ٢٢-٢٣؛ گنجی، ٢٢٣).

چیستی جغرافیای تاریخی و تعریف آن رویکردهای مختلفی را در میان محققان پدید آورده‌است. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود رویکرد چشم‌انداز است که به‌زعم نگارندگان، در بحث‌های مربوط به جغرافیای تاریخی، کارایی و قدرت روشنگری بیشتری داراست. همین امر را می‌بایست یکی از ضرورت‌های پرداختن به این بحث دانست. ضرورت دیگری که نگارندگان را بر آن داشت تا به معرفی این رویکرد در جغرافیای تاریخی بپردازند این است که از منظر چشم‌انداز، تحولات و تطورات یک منطقه در طول زمان با توجه به نقاط عطفی که باعث تغییرات اساسی در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

آن منطقه شده، بررسی می‌شود و این خود، جغرافیای تاریخی را از محور صرفاً وصفی آن خارج می‌کند و بُعدی تحلیلی و کارکردی به آن می‌بخشد. ازاین‌رو، هدف از نگارش این مقاله آن است که این منظر بیشتر در محافل جغرافیایی و تاریخی شناسانده شده و مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، در نوشتار حاضر به سوالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

ـ منظور از چشم‌انداز جغرافیایی چیست و چه مراحلی را در مراحل تطور خود گذرانده‌است؟

ـ چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات تاریخیِ با محوریت جغرافیای تاریخی چه کاربردی دارد؟

چشم‌انداز جغرافیایی

در خلال سال‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های نخست قرن ۲۱، پژوهشگران حوزهٔ جغرافیای تاریخی در باب معنای لغوی و اصطلاحی چشم‌انداز، مباحث مهمی طرح کردند. معنای لغوی این واژه در دو برداشت مختلف چنین بوده‌است: در برداشت اول و معنای قرون وسطایی، به‌عنوان یک قلمرو، شامل سازمان‌ها یا نهادهایی که آن را کنترل یا مدیریت می‌کردند[۵]، به‌کار گرفته می‌شد. برای نمونه، این برداشت از چشم‌انداز امروزه در مناطقی مثل درنتهٔ هلند[۱]، که چشم‌انداز قدیمی خود را حفظ کرده‌اند و «چشم‌انداز قدیمی[۲]» نامیده شده‌اند، به کار برده می‌شود. همچنین بخشی از سرزمین اندونزی که در گذشته جزو مستعمرات امپراتوری هلند و تحت تسلط غیرمستقیم حکومت بود، از آنجا که اکنون مستقل است، به‌عنوان «چشم‌اندازهای مستقل» یا "چشم‌اندازهای خودگردان[۳]" شناخته می‌شود (Renes, *European landscapes*, 117-118). این تعاریف ارضی و منطقه‌ای از چشم‌انداز از طریق مفهوم قدیم آلمانی لندشفت[۴] جغرافیایی به اکولوژی چشم‌انداز مدرن راه یافت. چشم‌اندازها، با توجه به این تعریف، سابجکتیو بوده، اما درعین‌حال، ممکن است آن‌ها را با تحقیق میدانی و مطالعهٔ آرشیوی نیز مورد بررسی و

۱. درنته (Drenthe)، استانی واقع در بخش شمال‌شرقی کشور هلند است.

2. Old Landscape
3. self-governing landscapes
4. landschaft

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

نقشه‌برداری قرار داد (Renes, *New nature in old landscapes*, 3-4). برداشت دوم معنای هنری از این واژه را در خود جای داده‌است؛ معنـایی کـه از قرن اول میلادی و از زمان رواج سـبک‌هـای نقاشـی یونانـی در نواحـی مدیترانه‌ای بـه مباحث هنری راه یافـت (شکوئی، ۱۷۱). این برداشت حدوداً از اواخر قرن شانزدهم برای توصیف نقاشی‌هـایی با موضوع مناظر طبیعی گسترش یافت، چنان‌که در این دوره، برداشت جدید از معنـای این واژه در ذهن و زبان نقاشان هلندی با موضـوعات نقاشـی‌هـای منـاظر طبیعـی یـا روستایی ظـاهر شـد (Olwig, *Recovering the substantive nature of landscape*, 635). ایـــن معنـــا از چشـــم‌انـــداز در قرن هفدهم به مدارس آلمان و ایتالیا راه یافت و در دو قرن بعدی، در ادبیات و هنر انگلستان و فرانسه پایگاهـی درخور یافت. از قرن نوزدهم به بعد، مفهوم چشم‌انداز در آثار نقاشانی مانند مونه[1]، ون‌گوگ[2]، و پل سزان[3] جایگـاهی ویژه یافت (مولایی هشجین، ۷). واژهٔ چشم‌انـداز، کـه تـا پایـان ایـن قـرن در فرهنـگ جغرافیایی آلمان[4] بخشی از ادبیات جغرافیایی رایج شـد، بـرای توصـیف بخـش مرئـی زمین یا ناحیه و منطقهٔ محدودشده‌ای از سطح زمین به کار می‌رفت (بیکر، ۱۷۹–۱۸۰).

معنـــای اصـــطلاحی چشـــم‌انـــداز جغرافیـــایی فضای خاص حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون و متنوع طبیعـــی و انسانـــی در یک بافت مکانـــی معیّن چشم‌انداز جغرافیایی را شامل می‌شود (سعیدی، ۹). امروزه از چشم‌انداز، که از جهانی انسانی‌شده حکایـت مـی‌کنـد (Turner, 64)، تعـاریف اصـطلاحی دیگـری ارائـه شـده‌اسـت کـه نقطهٔ اتصالشان تأکید بر تفاوت‌های طبیعت جدیـد بـا چشـم‌انـداز قـدیمی بـر اسـاس تأثیر انسـان بـر یـک جغرافیـای مشـخص در طـول یـک بررسـی تـاریخی بلندمـدت اسـت (Muir, *Landscape: a wasted legacy*, 265؛ Olwig, *Recovering the substantive nature of landscape*, 630-653).

با در نظر گرفتن مجموعهٔ این تعاریف به نظر می‌رسد چشم‌انداز ترکیبی از تعـاریف مختلف است (Kluiving and Guttmann-Bond, 11). به‌دیگرسخن، چشم‌انداز ترکیبی از

1. Monet
2. Van Gogh
3. Paul Cezan
4. landshaft

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

خاستگاه فیزیکی جغرافیا و پوشش فرهنگی حیات انسان در طی هزاران سال و منعکس‌کنندهٔ ترکیب زندگی مردم و مکانی با ریشه‌های هویت محلی و ملی است (بهفروز، ۵۹-۷۵). به چشم‌اندازها در یک تاریخ طولانی که به‌آرامی تکامل یافته و طی قرن‌ها به‌شکل یک ساختار مشخص، انعکاس‌دهندهٔ یکپارچگی هماهنگ با عناصر زیستی، زیست‌شناختی، و فرهنگی است، نگاه می‌شود. این تعریف تنوع چشم‌اندازها و همچنین تنوع زیستی را، با توجه به افزایش نفوذ انسان در طبیعت، توضیح می‌دهد (Renes, *European landscapes*, 119).

پیشینهٔ مطالعاتی

کلمهٔ چشم‌انداز ابتدا به‌وسیلهٔ کارل ریتر[1]، جغرافیدان آلمانی وارد ادبیات جغرافیایی شد و در میان جغرافیدانان، الکساندر فن همبلت[2] اولین جغرافیدانی بود که مفهوم چشم‌انداز[3] را با کاربستی جغرافیایی به خدمت گرفت. بعدها، این مفهوم با طیف کاربردی گسترده‌ای در آثار جغرافیدانانی مانند فردیناند فن رایشتهوفن[4] و ویدال دولابلاش[5] به کار گرفته شد (شکوئی، ۱۷۲). اساساً مفهوم چشم‌انداز با این دیدگاه وارد ادبیات جغرافیایی شد که نقش انسان را در شکل‌دهی به محیط طبیعی نشان دهد و تغییرات چشم‌انداز طبیعی را به چشم‌انداز فرهنگی به نمایش گذارد. تفکری که بعدها اساس کار مکتب «جغرافیای فرهنگی برکلی[6]» را تشکیل داد[7] (همان، ۱۷۷-۱۸۰). در این رویکرد، جغرافیای تاریخی علمی است که به نهادهای انسانی یا فرهنگ‌ها مربوط است. از این منظر، چشم‌انداز وارد عرصهٔ فرهنگ شد و به‌نوعی با زیست و معیشت جوامع مرتبط گشت. در سال ۱۹۲۵، کارل ساور با انتشار مقاله‌ای با عنوان «مورفولوژی

1. Carl Ritter
2. Baron Von Humboldt
3. Landscape
4. F. Von Richthofen
5. Vidal De La Blach
6. The Berkeley school of cultural geography

۷. کارل ساور (Carl Saure)، بنیانگذار مکتب جغرافیای فرهنگی برکلی، در این زمینه از اتو اشلوتر آلمانی متأثر بوده‌است (فنی، ۱۹۶)، چراکه مفهوم مورفولوژی چشم‌انداز فرهنگی، که بعدها به‌وسیلهٔ ژان برون وارد ادبیات جغرافیایی فرانسه و از طریق کارل ساور به دانش جغرافیا در آمریکا راه یافت، همه از تفکرات جغرافیایی اشلوتر منشأ می‌گرفت (مولایی هشجین، ۱۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

چشم‌انداز»، ضمن تعریف علم جغرافیا به مطالعهٔ علمی چشم‌اندازها، این مفهوم را وارد تفکرات جغرافیایی آمریکا کرد (Johnston, 316 ؛Sauer, 6). رفته‌رفته انسان و محیطی فیزیکی که او در آن فعالیت می‌کرد به هستهٔ اصلی مطالعات جغرافیایی تبدیل شد. ازاین‌رو، این منظر باعث شد تا چشم‌اندازِ تغییریافته به‌وسیلهٔ فعالیت‌های انسانی به‌عنوان یک ویژگی جغرافیایی شناخته شود (Bryan, 1). در دهه‌های آغازین قرن بیستم، هر رویدادی که در آن انسان بر جغرافیا نقش و تاثیری داشت، ممکن بود مربوط به مطالعات چشم‌انداز باشد (Renes, *European landscapes*, 119).

از جملهٔ افرادی که نقش مهمی در توسعهٔ مفهوم[۴] چشم‌انداز در مطالعات جغرافیای تاریخی در غرب داشت، داربی[۱] بود. هدف او توضیح چشم‌انداز و درک آن بود. او در مقاله‌ای با عنوان «در رابطهٔ جغرافیا و تاریخ[۲]»، واژه‌های مرتبط با مطالعات چشم‌انداز، ازجمله جغرافیا، تغییرات تاریخ، جغرافیای تاریخی، و چشم‌انداز را مکرر استفاده کرد (Darby, 9-11). او همچنین در سال ۱۹۵۲، با نگارش مقالهٔ «چشم‌انداز درحال‌تغییر انگلیس»، پیوند جامعه با جغرافیا و انسان با زمین را نشان داد. در مقالهٔ دیگری هم که در سال ۱۹۵۷ منتشر کرد، به نقش انسان در تغییر طبیعت، مانند پاکسازی جنگل و غیره، پرداخت. در سال ۱۹۶۲، در مقاله‌ای متفکرانه و قابل‌توجه دربارهٔ «مسئلهٔ توصیف جغرافیایی»، به توصیف رابطهٔ بین تاریخ و جغرافیا پرداخت و گام مهمی در ارائهٔ تصویر جدید و مناسبی از مطالعات چشم‌انداز برداشت (Williams, 92-98).

در دههٔ ۱۹۵۰، مطالعات جغرافیای تاریخی و جغرافیای فرهنگی بیشتر بر فرهنگ و ارتباط تنگاتنگ جغرافیا با تاریخ تمرکز یافت (Birge-Liberman, 21) و تا سال ۱۹۶۰، چشم‌انداز به‌عنوان مفهومی کلیدی در جغرافیا مورد توجه قرار گرفت. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، جغرافیای تاریخی به حوزهٔ مطالعاتی جدید و جداگانه‌ای تبدیل شد که یکی از موضوعات آن تاریخ چشم‌انداز فرهنگی روستایی و شهری بود. رفته‌رفته جغرافی‌دانان از دستاوردهای دیگر علوم نیز بهره بردند و مطالعات خود را گسترده‌تر کردند و تکامل بخشیدند (Hoelscher, 2; Muir, *Landscape: a wasted legacy*, 266).

1. H. C. Darby
2. The relations of history and geography

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

تقریباً از نیمهٔ دوم قرن بیستم، جغرافیدانان حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، تاریخی، و به‌ویژه، فرهنگی دامنهٔ مطالعات چشم‌انداز را به‌طرز چشمگیری بسط دادند (Hoelscher, 5). برای تبیین چشم‌اندازها در طول تاریخ نیز از دستاوردهای علوم دیگر، همچون [۲]استان‌شناسی، گیاه‌شناسی، محیط زیست، و زمین‌شناسی استفاده شد (Muir, idem). دراین‌میان، از سال ۱۹۵۰، مقالاتی دربارهٔ تاریخچهٔ چشم‌انداز در *مجلهٔ جغرافیایی*[۱] منتشر شد و درنتیجه در نیمهٔ دوم قرن بیستم، مطالعات چشم‌انداز در کانون توجه جغرافیدانان، باستان‌شناسان، مورخان، و طبیعت‌شناسان قرار گرفت (Muir, *Geography and the history of landscape*, 148-154). در این بین، تعدادی از مقالات برجستهٔ *ژورنال سالانهٔ جغرافیایی* نیز به حوزهٔ چشم‌انداز اختصاص یافت (Renes, *European landscapes*, 117). علاوه‌براین‌ها، ایده‌ای که دیوید زاک[۲] آن را «به دست آوردن چشم‌اندازهای فرهنگی» نامید، رشد چشمگیر فهم رویکردهای فرهنگی در مطالعات چشم‌انداز دههٔ ۱۹۹۰ را به دنبال داشت. در همین دهه، با به رسمیت شناخته شدن ایدهٔ چشم‌انداز فرهنگی در سال ۱۹۹۲، چندین چشم‌انداز فرهنگی از سوی یونسکو به ثبت رسید (Taylor, 3). همچنین در پایان قرن بیستم، پروژه‌های تحقیقاتی مختلفی برای تبیین مفاهیم مرتبط با چشم‌اندازهای کشاورزی و صنعتی نیز تعریف شد (Calvo-Iglesias et al, 2009).

در دههٔ پایانی قرن بیستم، محققان بسیاری با رویکردهای گوناگون به توصیف چشم‌انداز و مفاهیم مرتبط با آن پرداختند (نک: Olwig, *Representation and alienation in the political landscape*, 19-40). هدف اصلی از مطالعات چشم‌انداز در این دوره حفاظت از چشم‌اندازهایی بود که در قرون متمادی و به‌ویژه در فرایند مدرنیزه‌شدن، چشم‌اندازهای طبیعی و فرهنگی خود را حفظ کردند (Renes, *European landscapes*, 119). به‌طور خلاصه، شریان اصلی مطالعات چشم‌انداز در جغرافیای تاریخی این دوره را می‌توان در دو طیف جغرافیای انسانی، که چشم‌انداز را انعکاسی از جامعهٔ انسانی می‌دید (نک: Meinig, *The interpretation of ordinary landscape*)، و جغرافیای فرهنگی

1. Geographical journal
2. David Zack

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

جدید، که از منظر تاریخ هنر و علوم سیاسی به چشم‌انداز توجه داشت، (نک: Cosgrove and Daniels؛ Cosgrove; Wylie)، شاهد بود.

در پایان این بخش، با توجه به پیشینهٔ مطالعات تاریخی چشم‌انداز در غرب، می‌توان موارد زیر را در روند شکل‌گیری، پویایی، و بسط رویکردهای مختلف به آن ذکر کرد:

۱. از دههٔ ۱۸۹۰ تا ۱۹۲۰ و در اولین دورهٔ مهم تفکر جغرافیایی مدرن، بر نقش محیط فیزیکی در تعیین رفتار انسان تاکید می‌شد. هرچند برخی از جغرافیدانان این دوره کلمهٔ چشم‌انداز را در آثارشان به کار برده‌اند، از رویکرد جبرگرایانه نمی‌توان معنا و کارکرد مفهوم چشم‌انداز جغرافیایی را، آن‌گونه که امروزه رایج است، به دست آورد. با پایان این دوره و در دههٔ ۱۹۲۰، نخستین رویکرد چشم‌انداز جغرافیایی با نام چشم‌انداز فرهنگی به وجود آمد (Birge-Liberman, ibid).

۲. با آغاز دههٔ ۱۹۵۰ و با الهام از انقلاب کمّی، جغرافیدان‌ها به رویکرد انتزاعی‌تری روی آوردند. آن‌ها از مدل‌سازی و آمار استفاده می‌کردند تا جغرافیا را علمی‌تر کنند. اگرچه چشم‌انداز جغرافیایی نقش مهمی در جغرافیای تاریخی این دوره ایفا می‌کرد، تمرکز بر پوزیتیویسم چشم‌انداز را به حاشیه راند. درنهایت، تحت تأثیر جغرافیای انتقادی دههٔ ۱۹۷۰، جغرافیای تاریخی و مطالعهٔ چشم‌انداز جغرافیایی بر تئوری‌های اجتماعی متمرکز شد و دومین رویکرد چشم‌انداز جغرافیایی را به وجود آورد. در این رویکرد، محصولات اجتماعی چشم‌اندازها، ساختار اجتماعی طبیعت و هویت اجتماعی، از قبیل نژاد، طبقه، و جنسیت، تحت تأثیر سه سوژهٔ تفکر انتقادی جغرافیای انسانی، ماتریالیسم تاریخی، و پست‌مدرنیسم قرار گرفت (Dubow, 125). مجموعهٔ رویکردهای انتقادی در جغرافیای فرهنگی ناظر به مفاهیم سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای در ایجاد و بیان چشم‌انداز فرهنگی بود (Clok, 226).

۳. جغرافیدانان تاریخی در ادامه، با ارائهٔ دیدگاه‌های تاریخی انتقادی، به جغرافیدانان مارکسیست تبدیل شدند. در رویکرد چشم‌انداز جغرافیایی مارکسیستی، جغرافیای تاریخی از ماتریالیسم تاریخی برای توضیح توسعهٔ الگوها در جامعه استفاده می‌کرد. جغرافیای ماتریالیست تاریخی به بررسی روابط اجتماعی و جغرافیایی تولید، از قبیل طبقه، قدرت، مالکیت سرزمین و دولت، و پیرو آن، مبارزات اجتماعی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

می‌پرداخت. این رویکرد در ادامه، چشم‌انداز جامعهٔ سازمانی را پایه‌ریزی کرد (نک: Mitchell, *The lie of the land*).

٤. در دورهٔ جدید، دید طبقاتی به چشم‌انداز اهمیت خود را از دست داد و سنت فلسفی پدیدارشناختی قرن بیستم، سومین رویکرد در چشم‌انداز جغرافیایی را ایجاد کرد. در این رویکرد، توجه به جنبه‌های معنوی در کنار جنبه‌های مادی، به‌عنوان یک فرایند فرهنگی در بستر تاریخی، مورد مطالعه قرار گرفت. درنتیجه، چشم‌انداز به طیف وسیعی از مطالعات روزانه وارد شد (Dubow, 126-128). در رویکردهای پدیدارشناختی، برای بررسی تجربهٔ زندگی روزانه از مفهوم فرهنگی و تجربه‌گرایانهٔ چشم‌انداز جغرافیایی استفاده می‌شود (Ingold, 152-174). بنا بر تعاریف جدید از فرهنگ در پست‌مدرنیسم یا نظریهٔ انتقادی و ادبی بر اساس فلسفهٔ دریدا، فوکو، هابرماس، و دیلتای، چشم‌انداز جغرافیایی و به‌ویژه چشم‌انداز فرهنگی، وارد عرصه‌های جدیدی شد.

روش‌شناسی

تا پیش از دههٔ ۱۹۸۰، جغرافیدانان تاریخی دربارهٔ روش تحقیق از منظر چشم‌انداز جغرافیایی، یعنی گردآوری داده‌ها و پردازش اطلاعات، توضیحاتی ارائه داده بودند، ولی از آن دهه بود که تکوین روش‌شناسی چشم‌انداز در جغرافیای انسانی آغاز شد (Hoelscher, 2). در این زمان، محققان تلاش کردند تا دربارهٔ اهداف تحقیقی خود اطلاعاتی ارائه کنند و روش‌های خود را دربارهٔ تکنیک‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها، و شیوه‌های دستیابی به اطلاعات توضیح دهند. آنچه به‌صورت موجز می‌توان دربارهٔ مسائل روش‌شناسی چشم‌انداز در جغرافیای تاریخی بیان کرد، در مسائل زیر قابل‌ارائه است.

۱- شناسایی و توصیف مفهوم منطقهٔ فرهنگ. پژوهشگر در مطالعهٔ چشم‌انداز جغرافیایی، نمی‌تواند خانه‌ها، شهرها، و سازه‌های انسان‌ساخت را بدون در نظر داشتن ریشه‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها در بستر جغرافیایی مطالعه کند، چراکه زیستگاه‌های انسانی در طول تاریخ برای رفع نیازهای معیشتی و روزانهٔ انسان‌های ساکن در آن‌ها پدید آمده‌اند (نک: Sauer, 15؛ Muir, *Landscape: a wasted legacy*, 266). ازاین‌رو،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

شناسایی منطقهٔ فرهنگ در نتیجه‌گیری‌ها و ارائهٔ تصویر درست از چشم‌انداز دارای اهمیت است. محقق چشم‌انداز با بررسی توسعهٔ املاک و مستغلات، بنگاه‌های اقتصادی، ساختمان‌های مسکونی، مدارس، و غیره و با در نظر گرفتن شرایط و بسترهای فرهنگی و اقتصادی ایجاد این فضاها، می‌تواند چشم‌انداز جغرافیایی را ارزیابی کند (برای فهم این ارتباط نک: Domosh).

۲- مطالعات منطقه‌ای یا آشنایی متخصص با جغرافیای مورد مطالعه. بازسازی چشم‌انداز فرهنگی و جغرافیایی گذشته نیاز به متخصصی دارد که علاوه بر آشنایی با متون تاریخی و اسناد طبقه‌بندی‌شده، جغرافیای طبیعی منطقه را بشناسد و فهم درستی از محیط پیرامونی و شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی منطقهٔ مورد مطالعه داشته باشد. متخصص چشم‌انداز باید تجربهٔ زیسته از منطقهٔ موضوع مطالعه داشته باشد. او باید منطقه را نه‌تنها همان‌طور که امروز به نظر می‌رسد، بشناسد، بلکه باید درک درستی از ریشه‌های فرهنگی و معیشتی مردم ساکن در آن مناطق داشته باشد (Sauer, 21).

۳- محدودهٔ منابع تحقیق و داده‌های موجود. هرچند اولین گام در بازسازی مراحل گذشتهٔ یک منطقهٔ فرهنگی تسلط بر اسناد مکتوب آن منطقه است، در مطالعه با رویکرد چشم‌انداز، تنوع داده‌ها و گستردگی علوم مرتبط و مورد نیاز از مسائل مهم به شمار می‌آید. نقشه‌های مرتبط به دوره و مکان موضوع مطالعه، اسناد تاریخی، روزنامه‌ها، اسناد اقتصادی، داده‌های مربوط به معادن و جاده‌ها، نقاشی، عکس، فیلم، نتایج و گزارش‌های اکتشافات زمین‌شناسی، طبیعت‌شناسی، و گیاه‌شناسی بایستی برای به تصویر کشیدن چشم‌انداز یک منطقه مطالعه و ارزیابی شود (Sauer, 22). به‌رغم توانایی محقق در یکی از حوزه‌های تاریخ یا جغرافیا، بدون بررسی تمامی منابع، توضیح شکل‌گیری و توصیف چشم‌انداز و نتیجه‌گیری از آن ممکن نیست. به‌عبارت‌دیگر، نمی‌توان تنها به بخشی از منابع برای ارائهٔ تصویر چشم‌انداز جغرافیایی بسنده کرد.

در ارزیابی وضعیت جغرافیای تاریخی از منظر چشم‌انداز جغرافیایی، سابقهٔ تاریخی و اطلاعات منابع تاریخی را می‌توان به‌عنوان داده‌های مرکزی قلمداد کرد؛ از جملهٔ این اطلاعات می‌توان به داده‌های متنی در آرشیوها و داده‌های بصری، که از طریق

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

مشاهدات منظم به دست آمده‌است، اشاره کرد. در مطالعات چشم‌انداز، استفاده و کاربست داده‌های تاریخی برای مطالعهٔ جغرافیای تاریخی ضروری است و تعامل متقابلی بین پژوهشگر این حوزه و اسناد و مدارک به وجود می‌آید (نک: Harris, 328-334). تواریخ محلی نیز ممکن است به‌عنوان منابعی شبه‌عکاسی‌گونه با داده‌هایی از نقاط مختلف روی زمین، اطلاعات ارزشمندی در اختیار قرار دهند.

علاوه بر اسناد تاریخی، از نقاشی‌های مناظر می‌توان به‌عنوان منبعی دیگر در مطالعهٔ چشم‌انداز جغرافیایی بهره گرفت. نقاشی، به‌عنوان یک اثر هنری که تولید آن به زمان مشخصی بازمی‌گردد، حضور انسان بر زمین و در طبیعت را در دورهٔ زمانی تولید اثر به تصویر می‌کشد. تصاویر، خود، حاوی تاریخی برای پژوهش در چشم‌انداز جغرافیایی‌اند؛ مناظری همچون سواحل، اراضی کشاورزی، بیابان‌ها، جنگل‌ها، و غیره به خودیِ‌خود قابلیت دارند که زیستگاه‌های انسانی را در دوره‌های تاریخی محتلف نشان دهند (Hoelscher, 133).

نقشه‌ها و تصاویر نیز در بررسی جغرافیایی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده‌اند و از آن‌ها به‌عنوان سند در مطالعهٔ چشم‌انداز استفاده می‌شود. این دسته از اسناد، اعم از عکس‌های هوایی و عکس‌های مناظر، ممکن است پوشش‌های طبیعی و فرهنگی را نمایان کنند و در تشخیص تغییرات در چشم‌انداز طبیعی و فرهنگی در دوره‌های متفاوت به کار بیایند. عکس‌ها و تصاویر در مطالعهٔ چشم‌اندازهای کشاورزی، روستایی، و شهری و مقایسهٔ تغییر چشم‌اندازها کاربرد دارند (Hoelscher, 136).

٤- اهمیت چارچوب‌های نظری و تفکر تاریخی. محققان در بسیاری از رشته‌ها صرفاً به استفاده از روایت‌های تاریخی اتکا دارند، اما در مطالعهٔ جغرافیای تاریخی، ارتباط تنگاتنگی میان نظریه و چارچوب با روایات تاریخی وجود دارد و از این حیث، کاربست محتوایی متون تاریخی در جغرافیا با سایر علوم متفاوت است (نک: Mitchell, *Landscape and surplus value*, 22). ازاین‌رو، درک درست هر مکان جغرافیایی نیاز به تفکر تاریخی دارد. این فهم نباید صرفاً به‌عنوان مقدمه یا پس‌زمینه‌ای در مطالعه استفاده شود، بلکه درک تاریخی باید با مطالعهٔ جامع و کاملی از زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و محیطی همراه باشد (Meinig, *The historical geography*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

(*imperative*, 79-87).

۵- مسئلهٔ اثبات اهمیت علّی. زمانی که محقق در تحقیق چشم‌انداز منطقهٔ مورد نظر خود با مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی، تاریخی، و جغرافیایی مواجه می‌شود، باید استنباط کند کدام عامل یا عوامل بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری چشم‌انداز داشته‌است.

٦- تعمیم بر اساس شباهت‌های بسترهای تاریخی و وضع‌و حال جغرافیایی. چشم‌اندازهای موجود در بسترهای تاریخی و فرهنگیِ با وضع و حال جغرافیایی مشابه تعمیم‌پذیر نیست؛ برای نمونه، با فرض اینکه در دورهٔ پهلوی اقدامات نوسازانهٔ یکدستی در ناحیهٔ جلگه‌ای استان‌های مازندران و گیلان روی داده باشد، نمی‌توان بدون بررسی همه‌جانبه، چشم‌انداز ناحیهٔ جلگه‌ای مازندران را به گیلان تعمیم داد.

۷- تناقض میان گزاره‌های فرهنگی و تاریخی. در صورتی‌که محقق دربارهٔ علل شکلگیری و توسعهٔ چشم‌انداز منطقهٔ موضوع مطالعه به گزارش‌های متناقضی برخورد کرد، بایست رجحان و برتری یکی بر دیگری را مشخص کند.

۸- استفاده از مفاهیم مناسب. در بررسی چشم‌انداز جغرافیایی باید از مفاهیم و اصطلاحات دورهٔ زمانی مورد مطالعه بهره گرفت. توجه به این امر ضروری است که نباید از مفاهیم مدرن برای ارائهٔ تصویر درست از چشم‌اندازهای گذشته استفاده کرد. برای نمونه، کاربست مفاهیم مدرن علم جمعیت‌شناسی و مهاجرت در تبیین نقش جمعیت مهاجر در چشم‌انداز گذشته نارواست.

۹- بازسازی چشم‌انداز گذشته. هرچند یکی از اهداف غایی مطالعهٔ چشم‌انداز حفظ میراث طبیعت با فراهم کردن تمامی بسترهای جغرافیایی، تاریخی، و فرهنگی، به‌عنوان چشم‌اندازهای گذشته است، امکان بازسازی کاملاً همسان چشم‌اندازها در شرایط کنونی وجود ندارد.

کاربست چشم‌انداز جغرافیایی در پژوهش‌های تاریخی

در کنار توصیف ادبیات تحقیق دربارهٔ چشم‌انداز جغرافیایی، جغرافیدانان تاریخی بر آن شدند تا ارتباط زمین و انسان و نیز ارتباط عناصر جغرافیایی و پویایی زمان را با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

نگاهی کارکردگرایانه بررسی کنند. برای نمونه، هانس رنس[1] معتقد است «شناخت بهتر از تغییرات چشم‌انداز در درازمدت و تمایز بین چشم‌اندازهای سنتی و مدرن برای حفظ میراث گذشته ضروری است و می‌تواند در برنامه‌ریزی توسعهٔ جوامع استفاده شود. وظیفهٔ اصلی ما این است که در ایجاد زمینه‌های مدرنیزاسیون جهان، جامعه‌ای سالم و خوشبخت، تنوع زیستی بالا، و ماتَرَک تاریخی ارزشمندی به وجود آوریم» (Renes, *European landscapes*, 133-134). درنتیجه، چشم‌انداز جغرافیایی با هدف حفظ طبیعت و احیای آن در میان مجامع علمی مورد توجه قرار می‌گیرد.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی، نخستین تلاش‌های مورخان برای کاربست چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات تاریخی بروز یافت (بیکر، ۱۸۶). چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات آن‌ها بیشتر بر اساس مقایسهٔ جهان پیشاصنعتی و صنعتی بود. تسخیر طبیعت توسط انسان در طی فرایند صنعتی شدن و مدرنیزاسیون، از مهم‌ترین بخش‌های کاربست چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات تاریخی است. ازاین‌رو، چشم‌انداز تنها به‌عنوان تصویری زیبا یا متنی ایستا در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان بخشی از فرایندی که هویت‌ها توسط آن شکل می‌گیرند، مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Mitchell, *Landscape and surplus value*, 26). در این منظر، چشم‌انداز میراثی بشری شناخته می‌شود. دریافت کارکردگرایانه از تاریخ چشم‌اندازها و حیات گذشتهٔ انسانی برای حفظ محیط زیست و حتی احیای آن و نیز توسعهٔ فرهنگی ازجمله اهدافی است که در برنامه‌ریزی دولت‌های مدرن و جوامع توسعه‌یافته استفاده می‌شود[2]. دراین‌میان، مورخان ملاحظهٔ ویژگی‌های چشم‌انداز کنونی را به‌عنوان آثار به‌جامانده از دوره‌های گذشته، شاهدی بر تاریخ مورد پژوهش فرض می‌کنند (برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ پیشینهٔ کاربست چشم‌انداز جغرافیایی در تاریخ نک: بیکر، ۱۸۶–۲۱۱).

۱. وی از جملهٔ محققان معاصر تاریخ چشم‌انداز اروپا است و حیات فرهنگی و طبیعی چشم‌اندازهای اروپایی را در دوره‌ای درازمدت مطالعه کرده‌است (Renes, *European landscapes*, 14-15).

۲. برای نمونه، دولت هلند طرحی را برای ساخت سه‌هزار خانه در واترلند، به‌عنوان یکی از چشم‌اندازهای ملی، معین کرد. خانه‌های جدید باید طوری ساخته می‌شدند تا چشم‌انداز روستایی را حفظ کنند. ازاین‌رو، متخصصان چشم‌انداز، با گونه‌شناسی انواع سکونتگاه‌ها بر اساس نقشه‌های قرن نوزدهم، طرح گسترده‌ای برای حفظ و احیای چشم‌اندازهای گذشته طراحی کردند (Renes, *European landscapes*, 132).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

در بررسی تاریخی چشم‌اندازهای جغرافیایی روند حرکت‌های جمعیتی، مثل مهاجرت‌های بزرگ، تحولات اقتصادی و معیشتی و بررسی جریان تولید، مطالعهٔ راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی، محل وقوع جنگ‌ها و مناطق مهم نظامی، اراضی و مناطق تحت کنترل و تسلط انسان‌ها، تسخیر طبیعت و بررسی زمین و نوع بهره‌برداری از آن در ادوار گوناگون تاریخی مطالعه می‌شوند. دوره‌های رشد یا کاهش جمعیت نیز در بررسی تاریخ تغییر چهرهٔ زمین بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند. بیماری‌ها، جنگ‌ها، و مهاجرت‌ها در این بررسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای نمونه، هانس رنس با مقایسهٔ جمعیت ایرلند و انگلستان از نیمهٔ اول قرن نوزدهم تا امروز، به این نتیجه رسیده که بر روند کاهش جمعیت ایرلند و افزایش جمعیت انگلستان عواملی مانند بحران کشاورزی و ناکامی در گذار به صنعتی شدن ایرلند قرن نوزدهم مؤثر بوده‌اند (Renes, *European landscapes*, 131).

همچنین چشم‌انداز، در کاربست تاریخی، عواملی را که موجب تغییرات و تحولات اساسی در یک محیط جغرافیایی شده‌اند و نقاط عطف و تأثیرگذار در تحول یک شهر یا منطقه‌ای مشخص را ارزیابی و بررسی می‌کند. ازاین‌رو، ممکن است رخدادی سیاسی در تاریخ منطقه‌ای معیّن مهم باشد، اما از آنجا که چشم‌انداز آن منطقه را تغییر نداده، مورد بررسی و توجه قرار نگیرد. این امر را می‌توان مهم‌ترین کاربست چشم‌انداز در مطالعات تاریخی دانست. یکی دیگر از کاربست‌های مهم چشم‌انداز، تقسیم‌بندی جغرافیایی دقیق یک منطقه یا شهر بر اساس تغییرات بنیادین آن است که طبعاً مطالعهٔ تاریخ آن منطقه را نیز آسان‌تر و دقیق‌تر خواهد کرد.

برای فهم بیشتر، ارائهٔ چند مثال کاربردی از کاربست چشم‌انداز در مطالعات تاریخی در ادامه می‌آید:

۱. در نمونهٔ نخست، می‌توان کشف نفت را به‌عنوان یکی از نقاط عطف مهم در چشم‌انداز تاریخی و جغرافیایی برخی از شهرها دانست. دراین‌میان، تاثیرپذیری شهر مسجدسلیمان از این عامل بسیار بوده‌است. این شهر، به‌عنوان نخستین شهر نفتی خاورمیانه در ساختار جدید خود، از زمرهٔ شهرهایی است که به‌شکل جدید شرکتی پدید آمده‌اند. صنعت نفت در حیات مجدد این شهر و تحولات جمعیتی، کالبدی، و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

فضایی آن نقشی اساسی داشته‌است، تا آنجا که برخی کارشناسان مسجدسلیمان را «شرکت‌شهر مدنیت یافته» خوانده‌اند. این تحول در مقالهٔ صفایی‌پور، حبیبیان، و نقدی‌پور بیرگانی با عنوان «مسجدسلیمان؛ نخستین نفت‌شهر خاورمیانه و تحولات جمعیتی و کالبدی-فضایی آن در گذر زمان» بررسی شده‌است. این مقاله نمونه‌ای درخور توجه از کاربرد چشم‌انداز در مطالعات تاریخی ایران است. اگرچه نویسندگان این مقاله مشخصاً از چشم‌انداز یاد نکرده‌اند، در پژوهش آنان کاربست چشم‌انداز جغرافیایی به‌وضوح دیده می‌شود. درواقع، بر اساس داده‌های مقالهٔ یادشده، استخراج نفت نقطهٔ عطفی در تحول منطقه‌ای مسجدسلیمان محسوب می‌شود. جغرافیای طبیعی محدودهٔ مسجدسلیمان نشان می‌دهد که این منطقه دارای چندین رشته‌کوه گچی، سنگی، و خاکی است که در سراسر آن کشیده شده‌اند. در میان این ناهمواری‌ها، جلگه‌ها و دره‌های کوچکی وجود دارد که ۳۲۰ حلقهٔ چاه حفرشده در مسجدسلیمان را دربرگرفته‌اند. درحقیقت، «شهر مسجدسلیمان نیز با ایجاد مجتمع‌های مسکونی در کنار این چاه‌های نفت و برای اسکان کارکنان صنعت نفت شکل گرفت» (نک. صفایی‌پور و دیگران، ۹۶). گسترش فضایی شهر مسجدسلیمان به‌شدت تحت تأثیر میدان‌های نفتی بوده‌است؛ «برای مثال پیدایش محلاتی نظیر نفت‌خیز (درهٔ خراسان)، تل‌بزان و سی‌برنج نتیجهٔ گسترش شهرنشینی تحت تأثیر نفت بوده است». با کشف و استخراج نفت در شانزدهم مه ۱۹۰۸ (پنجم خرداد ۱۲۸۷ش)، بنای هستهٔ اولیهٔ مسجدسلیمان در مساحتی حدود یک کیلومتر مربع با جمعیت ثابت ۲۰۰-۲۵۰ نفر، که به‌صورت یک کمپ بود، گذاشته شد و به‌تدریج روبه‌توسعه نهاد (همان‌جا). این شهر با تمام مشکلاتی که طی جنگ جهانی اول و دوم و در دورهٔ ملی شدن صنعت نفت و غیره به خود دید، به رشد خود ادامه داد و در اواخر حکومت پهلوی، تحت تأثیر صنعت مهم نفت به شهری مهم از لحاظ اقتصادی و با جمعیتی که اغلب آن‌ها کارکنان شرکت نفت بودند (بعدها، کارکنان ارتش و هوانیروز نیز به آنان اضافه شدند) تبدیل شد[1].

۱. برای اطلاع دربارهٔ تحولات شهری مسجدسلیمان تحت تأثیر صنعت نفت تا سال‌های آغازین انقلاب اسلامی نک: صفایی‌پور و دیگران، ۹۰-۱۱۲.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

این گزارش مختصر نشان می‌دهد که صنعت نفت بایست به‌عنوان عاملی مهم در تحول چشم‌انداز جغرافیایی و تاریخی شهر مسجدسلیمان مورد توجه قرار گیرد. قطعاً در کنار تأثیر بسزای نفت در حیات شهری مسجدسلیمان، اتفاقات سیاسی بسیار مهمی، مانند وقوع جنگ‌های جهانی، رخ داده‌است، اما این اتفاقات به‌اندازهٔ صنعت نفت در رشد و تحول مسجدسلیمان نقش نداشته‌اند. چشم‌انداز نیز دقیقاً بر نقاط عطف تأثیرگذار تأکید دارد.

۲. در نمونه‌ای دیگر، می‌توان به تغییرات ایجادشده در جغرافیای مناطق شمالی ایران، ازجمله در مازندران دورهٔ پهلوی اشاره کرد. بر اساس سیاست‌های دورهٔ پهلوی اول، با اقداماتی از قبیل بسط راه‌آهن تهران–جنوب به شرق مازندران (آبراهامیان، ۱٤۰–۱٤۱)، برقراری ارتباط زمینی مازندران به پایتخت و نواحی مرکزی ایران با تکمیل جادهٔ فیروزکوه، تکمیل جادهٔ ساری به سمنان، احداث جادهٔ چالوس به کرج و جادهٔ آمل به تهران (بالی‌لاشک، ۲۰) و ساخت تأسیسات توریستی در رامسر، چالوس، و غیره (رزم‌آرا، ٦٥)، ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی مانند صنایع نساجی قائم‌شهر و چیت بهشهر، تبدیل کشاورزی سنتی به مکانیزه و توسعهٔ کشت پنبه، کشت توتون و صنایع وابسته به آن (نادی، ۱۳۱–۱۵۹)، چشم‌انداز جغرافیایی مازندران هم که در طول روزگاران دراز تحول اندکی به خود دیده بود، به‌شدت متحول شد و همین نیز موجب شد تا مازندران از منظر کشاورزی، استان پیشگام و نمونهٔ ایران معرفی شود (اهلرس، ۳٦). در نتیجهٔ این سیاست‌ها و اقدامات در قسمت غربی مازندران، چشم‌انداز اقتصادی کشت برنج یا مرکبات، در نواحی رامسر–تنکابن و در شرق مازندران، چشم‌انداز اقتصادی کشت پنبه و گندم و نیز در بهشهر، چشم‌انداز کشت توتون به وجود آمد. علاوه بر چشم‌انداز کشاورزی، چشم‌انداز زیست و معیشت و عنصر ساختمانی چشم‌انداز نیز در مازندران، به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی، دستخوش تغییراتی شد (همان، ۱۰–۳۵).

۳. دربارهٔ کاربست چشم‌انداز در مطالعات تاریخی بیشتر می‌توان به آثار غیرایرانیان اشاره کرد. برای نمونه، بلکبرن[1] در اثر *تسخیر طبیعت: آب، چشم‌انداز و آلمان مدرن*،

1. Blacckbourn

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

فرایند تغییر چهرهٔ طبیعت به‌واسطهٔ احیای باتلاق‌ها و مرداب‌ها، زه‌کشی زمین‌های بایر و دشت‌ها، مرتب کردن رودخانه‌ها و سدسازی روی دره‌های مرتفع در طول تاریخ ۲۵۰سالهٔ اخیر آلمان را مورد بررسی تاریخی قرار داده‌است (Blacckbourn, 3). همچنین شاما[1]، با مقایسهٔ نقشه‌های جغرافیایی، اسناد آرشیوی، عکس‌ها، روزنامه‌ها، و منابع تاریخی، تغییراتی را که انسان در چهرهٔ جنگل‌ها، کوه‌ها، و رودخانه‌ها ایجاد کرده‌است، مورد بررسی تاریخی قرار داده، چراکه به‌زعم وی، همهٔ عناصر طبیعی و جغرافیایی بر فرهنگ بشر و نحوهٔ پاسخگویی به نیازهای انسانی تأثیرگذار هستند (Schama, 6).

همچنین به‌سبب اهمیت تاریخ کشاورزی در مطالعات چشم‌انداز و تاثیر آن بر زندگی روزانهٔ مردم اروپا و استفادهٔ حداکثری از پتانسیل اراضی کشاورزی اروپا، بخش مهمی از مطالعات جغرافیای تاریخی به چشم‌انداز کشاورزی اختصاص داده می‌شود. اهمیت این مورد از آن روست که در اکثر جوامع پیشاصنعتی، کشاورزی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های انسانی را تشکیل می‌داد. تا پیش از اواسط قرن بیستم، اکثریت جمعیت جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و محصولات کشاورزی، مانند سیب‌زمینی (برای اکثر اروپا) و ذرت (برای مناطق مدیترانه‌ای)، مستقیم و غیرمستقیم بر شکل‌گیری چشم‌اندازها، سکونتگاه‌های انسانی، تراکم جمعیتی مناطق، و تاریخ طبیعت مؤثر بودند (Renes, *European agricultural landscape history*, 120-122). حتی در آغاز قرن بیست‌ویکم در اروپا، تقریباً بیش از یک‌چهارم جمعیت اروپایی، «روستایی» در نظر گرفته می‌شد و اراضی کشاورزی، کمتر از نیمی از سطح زمین اتحادیهٔ اروپا را تشکیل می‌داد. علاوه‌براین، تغییرات کشاورزی بر بخش‌های بزرگی از چشم‌انداز جغرافیایی هم تأثیرگذار است (ibid, 74).

درمجموع، می‌توان گفت چشم‌انداز در بررسی‌های تاریخی یک منطقهٔ جغرافیایی به پژوهشگر راهنمایی می‌کند که کدام عوامل را به‌عنوان نقاط عطف تاثیرگذار در نظر بگیرد و از پرداختن به دیگر مؤلفه‌ها، که ممکن است چندان اهمیت نداشته باشند، بپرهیزد. این مورد باعث دقیق شدن پژوهش‌های تاریخی خواهد شد و به تحقیقات نظم خواهد بخشید. به‌دیگرسخن، محققان چشم‌انداز تلاش دارند تا جغرافیای تاریخی را از

1. Schama

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

حالت وصفی و بسیط آن خارج و مسائل مهم و حائز اهمیت یک منطقه را بررسی کنند. این امر در برنامه‌ریزی‌های شهری و روستایی نیز بسیار مهم است، چراکه مطالعهٔ تاریخی یک منطقه با استفاده از چشم‌انداز، به‌جای ارائهٔ انبوهی از داده‌های حجیم و بی‌استفاده، بر نقاط عطف و مهم منطقهٔ مورد بحث تأکید و چکیده‌ای از آن‌ها ارائه می‌کند که می‌توان از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی بعدی استفاده کرد.

نتیجه

از اوایل قرن بیستم، با تکیه بر پیوستگی جغرافیا و تاریخ، دانش جغرافیای تاریخی در حوزهٔ مطالعات تاریخی مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نظری متنوعی بنا به نوع نگرش به آن به وجود آمد. از حوزه‌های مطالعاتی نسبتاً جدید در جغرافیای تاریخی، چشم‌انداز جغرافیایی است که در مجامع علمی، با هدف حفظ طبیعت و احیای آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در مطالعهٔ تاریخی چشم‌انداز جغرافیایی، تغییرات چهرهٔ طبیعت در دوره‌های تاریخی در یک جغرافیای مشخص، بر اساس سیاست‌گذاری‌های اِعمال‌شده و با رویکرد تأثیر انسان و تاریخ بر جغرافیا، بررسی می‌شود.

چشم‌انداز در بررسی‌های تاریخی یک منطقهٔ جغرافیایی، به پژوهشگر راهنمایی می‌کند که کدام عوامل را به‌عنوان نقاط عطف تأثیرگذار در نظر بگیرد و از پرداختن به دیگر مؤلفه‌ها، که ممکن است چندان اهمیت نداشته باشند، بپرهیزد. این مورد باعث دقیق شدن پژوهش‌های تاریخی خواهد شد و ازطرف‌دیگر، به تحقیقات نظم خواهد بخشید. به‌دیگرسخن، محققان چشم‌انداز تلاش دارند تا جغرافیای تاریخی را از حالت وصفی و بسیط آن خارج و مسائل مهم و حائز اهمیت یک منطقه را بررسی کنند. این امر در برنامه‌ریزی‌های شهری و روستایی نیز بسیار مهم است، چراکه چشم‌انداز، در کاربست تاریخی، بر نقاط عطف و مهم منطقهٔ مورد بحث تأکید می‌کند و چکیده‌ای از آن‌ها ارائه می‌دهد که می‌توان از آن‌ها در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی بعدی استفاده کرد.

در بررسی تاریخی چشم‌اندازهای جغرافیایی، به برهه‌هایی که نفوذ و دخالت انسان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

در طبیعت و زمین منجر به تغییر چهرهٔ طبیعت و چشم‌انداز جغرافیایی می‌شود، به‌عنوان نقاط عطف تاریخی توجه می‌شود و مقایسهٔ آن‌ها با دوران پیشین اساس مطالعه قرار می‌گیرد. در مطالعات تاریخی این‌چنینی، به مقایسهٔ جهان پیشاصنعتی و صنعتی بیشتر توجه می‌شود. تسخیر طبیعت و دخالت عنصر انسانی حاصل از فرایند صنعتی شدن و مدرنیزاسیون، از مهم‌ترین بخش‌های کاربست چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات تاریخی است. همچنین چشم‌انداز در کاربست تاریخی، عواملی را که موجب تغییرات و تحولات اساسی در یک محیط جغرافیایی شده‌اند، بررسی و ارزیابی می‌کند. چشم‌انداز بر نقاط عطف و تأثیرگذار در تحول یک شهر یا منطقهٔ مشخص تأکید می‌کند و این را می‌توان مهم‌ترین کاربست چشم‌انداز در مطالعات تاریخی دانست. همچنین از دیگر کاربست‌های مهم چشم‌انداز، تقسیم‌بندی جغرافیایی دقیق یک منطقه یا شهر بر اساس تغییرات بنیادین آن است که طبعاً مطالعهٔ تاریخ آن منطقه را نیز آسان‌تر و دقیق‌تر خواهد کرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

منابع

ـ آبراهامیان، یرواند، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمهٔ محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۸۹ش.

ـ اهلرس، اکارت، *ایران؛ شهر-روستا-عشایر (مجموعة مقالات)*، ترجمهٔ عباس سعیدی، تهران، منشی، ۱۳۸۰ش.

ـ بالی‌لاشک، صدیقه، «راه و راه‌سازی در سواحل دریای خزر در عصر پهلوی اول تا کودتای مرداد ۱۳۳۲»، *اسناد بهارستان*، ش. ۱ (بهار ۱۳۹۰).

ـ بهفروز، فاطمه، *زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷٤ش.

ـ بیک‌محمدی ، حسن، *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰ش.

ـ بیکر، الن اچ.، *جغرافیا و تاریخ (پیوند مرزها)*، ترجمهٔ مرتضی گودرزی، تهران، پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام، ۱۳۹۲ش.

ـ پاپلی یزدی، محمدحسین، «تعریف مفهوم و دیدگاه تازه از جغرافیا»، *فصل‌نامهٔ تحقیقات جغرافیایی*، سال ۱، ش. ۲ (۱۳٦۹ش).

ـ رزم‌آرا، علی، *جغرافیای نظامی ایران، گیلان و مازندران*، تهران، بی‌نا، بی‌تا.

ـ رهنمایی، محمدتقی، «روند مطالعات شهری و جایگاه جغرافیای شهری در ایران»، *تحقیقات جغرافیایی*، ش. ۱۱ (زمستان ۱۳٦۷).

ـ سعیدی، عباس، *مبانی جغرافیای روستایی*، تهران، سمت، ۱۳۸۹ش.

ـ شکوئی، حسین، *اندیشه‌های نو در فلسفهٔ جغرافیا*، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۸۵ش.

ـ صفایی‌پور، مسعود و بهار حبیبیان و معصومه نقدی‌پور بیرگانی، «مسجدسلیمان نخستین نفت‌شهر خاورمیانه و تغییرات جمعیتی کالبدی-فضایی آن در گذر زمان»، *پژوهش‌نامهٔ تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱، ش. ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱).

ـ فنی، زهره، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱ش.

ـ قائم‌مقامی، جهانگیر، «بحثی دربارهٔ مفهوم جغرافیای تاریخی»، *بررسی‌های تاریخی*،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

ش. ٤٠ (مرداد و شهریور ١٣٥١).
ـ گنجی، محمدحسن، *جغرافیا در ایران، از دارالفنون تا انقلاب*، مشهد، به‌نشر، ١٣٨٠ش.
ـ مولایی هشجین، نصرالله، «چشم‌انداز جغرافیایی (مفاهیم، تعاریف و تقسیمات)»، فصل‌نامهٔ چشم*انداز جغرافیایی*، سال ١، ش. ١ (بهار ١٣٨٥).
ـ نادی، زهرا، *تحول اقتصاد کشاورزی مازندران در دورهٔ پهلوی اول*، پایان‌نامهٔ دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، ١٣٩٦ش.
_ Birge-Liberman, Phil, "Historical geography", *Encyclopedia of geography*, 2010.
_ Blackbourn, David, *The conquest of nature: water, landscape and the making of modern Germany*, London, Jonathan Cape, 2006.
_ Bryan, P. W., "Geography and landscape", *Geography*, Vol. 43, No. 1 (January 1958).
_ Calvo-Iglesias et al, *Dynamic land use change modeling for CAP impact assessment on the rural landscape, (2005-2008)*, Netherlands, 2009.
_ Cloke, P. and P. Milbourne, Deprivation and lifestyles in rural Wales: the cultural dimension», *Journal of rural studies*, Vol. 8 (1992).
_ Cosgrove, Denis, *Social formation and symbolic landscape*, Madison, University of Wisconsin press, 1984.
_ Cosgrove, D. and S. Daniels (eds.), *The iconography of landscape*, Cambridge, Cambridge university press, 1988.
_ Darby, H. C., *The relations of history and geography transactions*, The institute of british geographers, 1953.
_ Domosh, Mona, *Invented cities: the creation of landscape in nineteenth-century New York and Boston*, New Haven, Yale university press, 1996.
_ Dubow, J., *Landscape*, Sheffield, Elsevier Ltd., 2009.
_ Harris, Cole, "The historical mind and the practice of geography", in *Humanistic geography: Prospect and problems*, ed. by D. Ley & M. Samuels, Chicago, Maaroufa Press, 1978.
_ Hoelscher, S, *Landscape iconography*, Austin, University of Texas, 2009.
_ Ingold, Tim, *The perception of the environment: essays on livelihood, dwelling and skill*, Psychology press, 2000.
_ Johnston, R. J., *Geography and geographers: Anglo-American human geography since 1945*, London, 1997.
_ Kluiving, Sjoerd J. and Erika B. Guttmann-Bond, *Landscape archaeology*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]

between art and science, Amsterdam, Amsterdam university press, 2012.
- Meinig, Donald William, *The interpretation of ordinary landscape: geographical essays*, New York, Oxford university press, 1979.
- Ibid, "The historical geography imperative", *Annals of the association of American geographers*, Vol. 79 (1989).
- Mitchell, Don, *Landscape and surplus value: The making of the ordinary in Brentwood,* C. A. Environment and Planning D: Society and Space 12, 7--30, 1994.
- Mitchell, Don, *The lie of the land: migrant workers and the California landscape*, Minneapolis, University of Minnesota press, 1996.
- Muir, Richard, "Geography and the history of landscape: half a century of development as recorded in the geographical journal", *Geographical journal*, Vol. 164, No. 2. (Jul., 1998).
- Muir, Richard, *Landscape: a wasted legacy; discipline of geography, environmental and life sciences*, New York, University college of Ripon and York St John, 1998.
- Olwig, Kenneth, *Recovering the substantive nature of landscape,* Annals of the Association of American Geographers 86, 603- 653, 1996.
- Olwig, Kenneth, "Representation and alienation in the political landscape", *Cultural geographies*, Vol. 12 (2005).
- Renes, Johannes (ed.) "European agricultural landscape history", in *European culture expressed in agricultural landscapes: perspectives from the Eucaland Project*, ed. by G. Pungetti & A. Kruse, Rome, Palombi Editori, 2010.
- Ibid, "European landscapes; continuity and change", in *Landscapes, identities and development*, ed. by Z. Roca, P. Claval & J. Agnew, Ashgate, Farnham, 2011.
- Ibid, "New nature in old landscapes; some Dutch examples of the relation between history, heritage, and ecological restoration", *Environmental values*, Vol. 27 (2018).
- Sauer, Carl O., "Foreword to historical geography", *Annals of the association of American geographers*, Vol. 31 (1941).
- Schama, Simon, *Landscape and memory*, London, Harper Collins, 1995.
- Taylor, Ken, "Landscape and memory: cultural landscapes, intangible values and some thoughts on Asia", in *Communities and Memories: a global perspective*, 2008.
- Turner, James. G., *The politics of landscape*, Cambridge, Harvard university press, 1979.
- Williams, Michael, "Historical geography and the concept of landscape", *Journal of historical geography*, Vol. 15, No. 1 (1989).
- Wylie, J., *Landscape*, London, Routledge, 2007.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1397.1.29.3.5]